

عملکرد سیاسی ناصر قلی اردلان در ادوار چهاردهم تا شانزدهم

مجلس شورای ملی ایران

سعید ذوالفقاری^۱ کیوان شافعی^{۲*} سید محمد شیخ احمدی^۳ محمد قربان کیانی^۴

چکیده

شکل‌گیری مجلس شورای ملی موجب ایجاد تحولاتی در تاریخ معاصر ایران گشت. این تحولات در عرصه سیاسی نمود پیدا کرد، به‌ویژه دوره پهلوی دوم بر سرعت ایجاد تغییرات افزوده شد. پس از شهریور ۱۳۲۰ و ایجاد فضای باز سیاسی، نمایندگان سعی کردند با این جریان همسو گردند. در دوره‌های چهاردهم تا شانزدهم مجلس شورای ملی ناصر قلی اردلان یکی از نمایندگان سنندج بود که به مجلس راه یافت. وی در دوره نمایندگی در امر قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های سیاسی شرکت داشت و در برخی موارد پایه‌گذار یا پیشنهاددهنده و حامی اصلاحات نیز بوده است. از جمله می‌توان به سخنرانی و نقش وی در رابطه ارائه و تصویب قوانین، لوایح و وزرای پیشنهادی دولت و نیز موضع‌گیری وی در مورد مسائل مهم و سرنوشت‌ساز همچون، نهضت ملی شدن صنعت نفت اشاره نمود. مسئله این پژوهش بررسی عملکرد سیاسی و نقش ناصر قلی اردلان در مجلس شورای ملی در ادوار مذکور می‌پردازد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و متکی بر اسناد، صورت مذاکرات مجلس و منابع آرشیوی است. یافته‌های این نوشتار نشان از آن دارد که ناصر قلی اردلان در طی ۳ دوره بیشترین سخنرانی و نقش را در صحن مجلس داشته و فعال‌ترین نماینده شهرستان سنندج بوده است. در یک جمع‌بندی وی در مباحثی همچون مبارزه با فساد اقتصادی دولت‌مردان، دفاع از تمامیت ارضی کشور و حمایت از قانون ملی شدن صنعت نفت نقش مؤثری ایفا کرد.

واژگان کلیدی: مجلس شورای ملی، ناصر قلی اردلان، پادشاهی ایران

10.22034/ir.2024.473907.2584

۲۴۷



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره سیزدهم،

شماره چهارم،

شماره پیاپی چهل و

پنجاه و یک،

زمستان ۱۴۰۲

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

۲. استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)

* kaivan_shafeii@yahoo.com

۳ و ۴. استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سیزدهم، شماره پیاپی پنجاه و یک، صص ۲۷۰-۲۴۷

مقدمه

در طی ادوار تاریخی ایران، افتتاح مجلس شورای ملی نماد تبلور خواست و اراده، مردم ایران بر سرنوشت خویش بود و به‌رغم تمام کاستی‌ها و نواقص آن بستری را فراهم ساخت تا علیرغم بافت جامعه سنتی ایران به‌عنوان عنصری تأثیرگذار در روند تغییرات بنیادین نظام ایران مبدل گردد. این رویداد باعث خیزش و خواسته‌های سیاسی مردم و رشد اشخاص سیاسی شد که توانستند نقش مؤثری در تاریخ تحولات سیاسی در جامعه ایفا نمایند. ناصر قلی اردلان یکی از شخصیت‌های سیاسی بود که عملکرد مؤثر و قابل قبولی در طول ادوار مجلس شورای ملی از خود برجای نهاد. او در سایه هوش ذاتی و شرم سیاسی خود به‌عنوان نماینده مجلس، در ادوار چهاردهم تا شانزدهم همانند، خطیبی برجسته، به نقش‌آفرینی در سیر تحولات سرنوشت‌ساز این دوران پرداخت. از جمله رخدادهای این دوران: از سقوط پی‌درپی کابینه‌ها و دولت‌ها، بحران آذربایجان، تحریم انتخابات مجلس پانزدهم تا خروج نیروهای خارجی از کشور، طرح و تصویب ملی شدن صنعت نفت را می‌توان نام برد. بر این اساس با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری ناصر قلی اردلان در مسائل ملی و محلی، می‌طلبید که فعالیت‌های رسمی و قانونی وی از قبیل؛ متن سخنرانی‌ها و تصمیم‌گیری در رابطه با قوانین، لوایح و وزرای پیشنهادی دولت و به‌خصوص موضع‌گیری او در طرح و برنامه‌های دولت و همچنین مسائل مهم و سرنوشت‌ساز ملی همچون؛ انتخابات و ملی شدن صنعت نفت مورد توجه قرار گیرد. تا نقش و تأثیرگذاری وی روشن و آشکار گردد در رابطه با فعالیت و عملکرد نمایندگان کردستان در مجلس شورای ملی اثری مستقل تألیف و پرداخته نشده است و کمتر بدان توجه شده و این عامل یکی از مهم‌ترین دلایل کمبود منابع در این زمینه است و موجب دشواری بسیاری در امر پژوهش شده است؛ اما در منابع به‌صورت پراکنده بدان اشاراتی شده است از جمله؛ کتاب **نمایندگان بیست‌ویک دوره قانون‌گذاری** اثر زهرا شجیعی، کتاب دیگری که به موضوع مورد پژوهش پرداخته است، با عنوان **رجال پارلمانی ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی**، توسط منوچهر نظری نوشته شده است؛ اما هیچ‌کدام از این منابع به‌طور متمرکز بر روی موضوع عملکرد نمایندگان نپرداخته‌اند؛ بنابراین جا دارد که در این باره تحقیقی نو صورت گیرد و به سؤال ذیل پاسخ داده شود. فعالیت سیاسی

ناصر قلی اردلان در مجلس شورای ملی در چه محورهایی بود؟ همچنین وی در قبال قوانین و لایحه‌های پیشنهادی، با توجه به مشروح مذاکرات چه موضعی داشت؟

۱. بیوگرافی سیاسی

ناصر قلی اردلان، فرزند ابوالحسن خان فخرالملک (کارمند دولت و مالک)، در سال ۱۲۷۳ ش. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و تحصیلات عالی را در رشته اقتصاد، در دانشگاه شهر لیژ (بلژیک) پی گرفت. وی در سال ۱۲۹۴ ش. هم‌زمان با جنگ جهانی اول، به ایران بازگشت و در پی آمدن نیروهای روسی به تهران، او با برادرانش امان‌الله و رضا قلی، به قم عزیمت کردند؛ اما پس از چندی وی به تهران بازگشت. او در اردیبهشت‌ماه ۱۲۹۵، از سوی پدر خود که حاکم کردستان بود، به سرپرستی آرامنه و یهود و همچنین اداره قصاب‌خانه و خبازخانه کردستان منصوب شد. وی یک سال پس از شروع جنگ جهانی اول، برای آموختن زبان انگلیسی به انگلستان رفت و در اواخر همان سال به کشور بازگشت و در وزارت داخله استخدام شد و پس از چندی، به سمت حکمران دودانگه و فیروزکوه عازم مازندران گردید. پس‌از آن، ولایت ساری به او سپرده شد.

اردلان در سال ۱۳۰۴ ش. حکمران خرمشهر و در سال ۱۳۰۹ به حکمرانی آبادان تعیین گردید. وی به خاطر علاقه به امور اقتصادی، در سال ۱۳۱۰ ش. وزارت داخله را ترک کرد و به استخدام بانک ملی ایران درآمد. بیش از یک دهه در آن بانک در سمت‌های مختلفی، چون ریاست بانک ملی ایران در بیرجند، به کار پرداخت. در دور دوم خرداد ۱۳۲۱، از سوی میلسپو به ریاست کمیسیون ارز انتخاب شد؛ اما پس از چند روز، میلسپو حکم ریاست او را لغو کرد ولی همچنان به‌عنوان نماینده بانک ملی ایران در کمیسیون ارز باقی ماند (نظری، ۱۳۹۰: ۷۱). وی در سال ۱۳۲۲ ش. در دوره چهاردهم قانون‌گذاری با کسب ۱۷۹۵۷ رأی از سنندج به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۴، جلسه ۲)؛ آن دوره در مجلس جز گروه اقلیتی درآمد که مصدق رهبری آن را داشت. همچنین در سال ۱۳۲۶ ش. در دوره پانزدهم مجلس با کسب ۲۴۵۷۷ رأی مجدداً از سنندج، به وکالت انتخاب گردید (همان، دوره ۱۵، جلسه ۲). در سال ۱۳۲۸ ش. در دوره شانزدهم قانون‌گذاری،

اردلان با کسب ۳۴۲۸۰ رأی، برای سومین بار به‌عنوان نماینده سنندج به مجلس راه یافت (همان، دوره ۱۶، جلسه ۲). با آغاز فعالیت‌های مصدق برای خلعید شرکت نفت ایران و انگلیس و ملی کردن صنعت نفت در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ اردلان از سوی مجلس شورای ملی برای شرکت در هیئت مختلط نظارت بر امر خلعید انتخاب شد. وی تا مردادماه ۱۳۳۱ در هیئت‌مدیره موقت شرکت ملی نفت در آبادان به فعالیت پرداخت. او علاوه بر نمایندگی در مجلس شانزدهم، در هیئت نظارت اندوخته اسکناس نیز عضویت داشت. ایشان پس از بازگشت از آبادان، به سمت بازرس دولت در بانک ملی ایران منصوب شد (نظری، ۱۳۹۰: ۷۲). در ۱۳۳۲. ش اردلان از مقامات اداری و مردم تبریز دعوت کرد که در ۲۶ مرداد در میدان شهرداری اجتماع کنند و در آن اجتماع با حضور اردلان، مجسمه محمدرضا پهلوی را از میدان شهر برداشتند. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به‌فرمان دولت کودتا، وی از سمت استانداری آذربایجان معزول و زندانی شد اما پس از چندی آزاد و بازنشسته گردید (عاقلی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۷۶).

در سال ۱۳۳۵ ش. اردلان باوجود بازنشستگی به عضویت شورای عالی بانک اعتبارات کشاورزی و عمران روستایی ایران درآمد و تا ۱۳۴۴ در این سمت اشتغال داشت. در سال ۱۳۴۲ ش. جبهه ملی اردلان را به‌عنوان کاندیدای بیست و یکمین دوره مجلس شورای ملی و چهارمین دوره مجلس سنا معرفی کرد؛ اما پس از چندی جبهه ملی به دلایل نامناسب دانستن فضای سیاسی و نقد شدن آزادی، انتخابات را تحریم کرد. ناصر قلی اردلان در ۲۴ فروردین ۱۳۵۷ در تهران درگذشت (نظری، ۱۳۹۰: ۷۱).

۲. عملکرد سیاسی ناصر قلی اردلان

عمده فعالیت‌های سیاسی ناصر قلی اردلان شامل؛ تعامل و تقابل با دولت‌ها، اعتبارنامه‌ها و انتخابات، بحران آذربایجان، رابطه با عربستان و موضوع نفت می‌توان نام برد.

۲-۱. تعامل و تقابل با دولت‌ها

با اشغال ایران توسط قوای متفقین و مسائل سیاسی جدیدی که به‌واسطه جنگ ایجادشده بود، همگی به معنای رشد روز افزون ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی حکومت بود (کدی، ۱۳۶۹: ۱۷۶). پس از شهریور ۱۳۲۰ دولت‌ها برای چند سالی عمدتاً در نتیجه ائتلاف‌های مصلحتی فراکسیون‌های مجلس برپا و یا ساقط می‌شدند (عظیمی، ۱۳۸۷:

۲۳-۲۴). دوره عمر متوسط هر کابینه حدود هفت ماه ونیم بیشتر نبود. کابینه‌ها تحت تأثیر عوامل خارجی همچون؛ قدرت‌های اشغالگر و عوامل داخلی مانند؛ تضاد و رقابت‌های موجود بین احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ سیاسی که در جامعه حاکم بود قرار داشتند (مقصودی، ۱۳۸۸: ۱۷۶). این نتیجه اوضاع سیاسی حاکم بر ساختار مجلس بود که باعث شد، از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش در طول دوازده سال، نوزده کابینه یکی پس از دیگری روی کار بیاید (نوریان، ۱۳۸۳: ۱۴۸). روابط مجلس و دولت در این دوران بر اساس بده بستان‌های مختلف سیاسی مبتنی بود. اگر نظر نماینده‌ای یا تعدادی از نمایندگان تأمین نمی‌شد، هیچ دولتی از بیم استیضاح و رأی عدم اعتماد، آسایش خاطر نداشت (عظیمی، ۱۳۸۷: ۱۴۹). دولتمردان سرمایه‌دار و زمین‌داران بزرگی که منافع تجاری نیز داشتند، در مجلس دست‌به‌کار بودند تا به سیاست خود در زمینه کمک‌های مالی زیاد به شرکت‌ها و مؤسسات تجاری انحصاری که زیر نظر دولت اداره می‌گردید ادامه دهند (کدی، ۱۳۹۲: ۱۷۷).

با توجه به مطالب پیشین مجلس شورای ملی دوره پهلوی دوم یکی از ابزارهای کنترل دولت بود و در حکم یک وزنه تعادل و مکمل در اداره امور جامعه عمل می‌کرد. به همین امر بیشترین فعالیت‌های سیاسی ناصر قلی اردلان در مجلس شورای ملی، معطوف به بررسی کابینه‌ها و برنامه‌های دولت بود. در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی، ساعد سومین هیئت‌وزیران خود را در ۱۵ شهریور ۱۳۲۳ به مجلس معرفی کرد و در ۲۶ شهریورماه با اکثریت ۷۲ رأی از صد نفر حاضر در جلسه رأی اعتماد مجلس را به دست آورد (مروارید، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۳۴). اردلان هنگام بررسی کابینه و برنامه دولت ساعد، ضمن مخالفت با برنامه‌های پیشنهادی دولت، نسبت به شخص ساعد و وزرای انتخابی و اقدامات مفید ایشان در جهت پیمان با متفقین را مفید و حیاتی دانستند، ولی ایشان اعتقاد داشتند دولت باید مطالبی را که برای اصلاحات مملکت ضرورت دارد ارائه و عملی سازد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۴، جلسه ۶۱). آزادی حاکم بر مجلس باعث شد تا به‌مرور مجلس چهاردهم به صحنه کشمکش نمایندگان تبدیل شود. از طرفی مشکلات کشور فراوان بود و ساعد نتوانست بر این مشکلات غلبه کند؛ بنابراین دولت وی نیز پس از چند بار استیضاح، نهایتاً سقوط کرد. پس از استعفای

ساعد، اکثریت نمایندگان فراکسیون‌های «میهن»، «اتحاد ملی» مجلس نسبت به زمامداری مرتضی‌قلی خان بیات ابراز تمایل کردند و بیات در آذر ۱۳۲۳ مأمور تشکیل دولت گردید (مرورید، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۳۴-۱۳۵). اردلان در طرح برنامه‌های دولت بیات در حوزه سیاست خارجی از ایشان درخواست کرد؛ «دولت باید در سیاست خارجی تماس مستقیم با مجلس شورای ملی داشته باشد و مجلس را از جریان امور سیاست خارجی مستحضر بکند و سفرایی که در کشورهای دیگر هستند را به مجلس فراخوانده و در مورد عملکرد سیاسی آنان در این مدت طی گزارشی به مجلس ارائه بدهند و این باعث هماهنگی در راستای سیاست خارجی بین دولت و مجلس می‌شود» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۴، جلسه ۷۹).

پس از سقوط کابینه بیات نوبت به کابینه حکیمی رسید. با اعلان خاتمه جنگ جهانی دوم در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ / ۸ می ۱۹۴۵ دولت ایران در ضمن اعلامیه‌ای به دول متفق اعلام داشت که هرچه سریع‌تر قشون خود را از خاک ایران خارج کنند. با انتخاب دولت و کابینه حکیمی در این سال، اولین اقدام دولت وی رسیدگی به این امر بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۱۵-۲۲۰). اردلان در هنگام طرح برنامه‌های دولت حکیمی ضمن موافقت خود با کابینه ایشان، درخواست کردند؛ با توجه به همکاری دولت ایران با متفقین در هنگام جنگ و خدماتی که دولت ایران برای آنان به عمل آورد، اینک که جنگ خاتمه یافته انتظار می‌رود طبق فصل پنجم^۱ قراردادی که با متفقین منعقد گشته، نیروهای آنان هر چه سریع‌تر از خاک ایران خارج بشوند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۴، جلسه ۱۲۷). کابینه حکیمی با اکثریت ضعیفی شکل گرفت. وی با روحیه مسالمت‌جویی که داشت نتوانست هیچ‌کدام از نیروهای فعال در صحنه سیاسی

۱. فصل پنجم این عهدنامه که مهم‌ترین موفقیت متفقین در جنگ به شمار می‌رفت، صراحتاً راجع به تخلیه ایران توسط دو دولت شوروی و انگلیس بود. این فصل بدین شرح بود: «پس از آنکه کلیه مخاصمه مابین دول متحده با دولت آلمان و شرکای آن به موجب یک یا چند قرارداد متارکه جنگ متوقف شد، دول متحده در مدتی که زیاده از شش ماه نباشد قوای خود را از خاک ایران بیرون خواهند برد و اگر پیمان صلح مابین آن‌ها بسته نشد ولو اینکه قبل از شش ماه بعد از متارکه باشد، بلافاصله قوای خود را بیرون خواهند برد، مقصود از شرکای دولت آلمان هر دولت دیگری است که اکنون یا در آینده بنای مخاصمت گذاشته یا بگذارد» (ملک یزدی، ۱۳۶۲: ۱۰-۲۰).

را به خود متمایل کند؛ بنابراین خیلی زود سقوط کرد (نوریان، ۱۳۸۳: ۷۶). در خرداد ۱۳۲۴ مجلس به کابینه حکیمی رأی اعتماد نداد، ۶۸ نفر از نمایندگان مجلس نسبت به نخست‌وزیری محسن صدر ابراز تمایل کردند و او مأمور تشکیل دولت شد و هیئت‌وزیران خود را در ۲۲ خرداد به شاه معرفی و کار دولت خود را آغاز کرد. او پیش از معرفی کابینه به مجلس و کسب رأی اعتماد، کار خود را آغاز کرد و بلافاصله به عزل و نصب‌هایی در وزارتخانه‌ها و همچنین توقیف برخی مطبوعات پرداخت. این اقدامات منجر به اعتراض نمایندگان در مجلس شورای ملی شد (عاقلی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۹۲۲).

اردلان هنگام بررسی برنامه‌های دولت صدر با ایشان مخالفت نمود به دلیل این که: «دولت در برنامه‌هایش توجهی به مسئله خروج متفقین از ایران طبق مقررات پیمان سه‌گانه نکرده»، در ادامه ایشان از نخست‌وزیر درخواست کردند در کابینه خود از افراد جوان استفاده کنند و از افرادی مانند دکتر معظمی، آقای دکتر معاون، آقای دکتر زنگنه، آقای دکتر کیان که اشخاصی تحصیل‌کرده و باسرافتی هستند بهره ببرند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۴، جلسه ۱۳۲).

دوره پانزدهم مجلس شورای ملی پس از یک دوره فترت طولانی (دو سال و چهار ماه و دو روز) در تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۲۶ ش. آغاز به کار کرد (مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۵، تاریخچه). در این دوره نمایندگان نسبت به زمامداری احمد قوام ابراز تمایل کردند. هیئت دولت روز ۲۲ شهریور ۱۳۲۶ به مجلس شورای ملی معرفی شد (مروارید، ۱۳۷۷، ج ۳: ۲۳۳). اردلان ضمن موافقت خود از انتخاب قوام‌السلطنه اشاره داشتند که: «علت این موافقت را مقایسه وضع آخر سال ۱۳۲۴ ش بود با وضعیت حاضر موقعی که دقایق آخر مجلس چهاردهم منقضی می‌شد خوشبختانه مشکلات بسیار عظیمی که داشتیم حل شده و آذربایجان عزیز بازگشته و آن افق تاریکی که داشتیم امروز رفع شده است البته وظیفه من بود که به چنین شخص توانایی اظهار تمایل بکنم» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۵، جلسه ۱۶) در ادامه وی از برنامه سیاست خارجی دولت دفاع نمود و عقیده داشتند که: «دولت در برنامه سیاست خارجی باید دوستی خود با دول همجوار محفوظ نگه دارد، یکی از این دول همجوار دولت بزرگ اتحاد جماهیر شوروی بود که قرن‌ها مرزهای طولانی با این کشور داشته و بسیاری از

کالاهای مملکت در مرز شمالی که از دریای آزاد دور است و غیر از جماهیر شوروی بازاری ندارد، پس ناچاریم که با این دولت دوستی داشته باشیم». اردلان در زمینه سیاست داخلی دولت نیز فرمودند: «قوم‌السلطنه از افراد شاخصی هستند که توانستند قضیه آذربایجان را که تحول بزرگی در کشور بود را هرچه زودتر خاتمه دهند، ایجاد حزب دمکرات ایران که ایشان به آن توجه فرموده‌اند باید به نفع مملکت استفاده بشود و باعث اصلاحات مفیدی در کشور بشود هرچند افرادی در این زمینه مخالفت نمودند در صورتی که بیشتر افراد خود سابق جز این حزب بودند. در صورتی که باید دولت را پشتیبانی نمود تا اصلاحات را شروع کند» پس از برکناری احمد قوام از نخست‌وزیری، مجلس در ۲۹ آذر ۱۳۲۶ تمایل خود را نسبت به زمامداری ابراهیم حکیمی ابراز داشت. حکیمی هیئت دولت خود را در تاریخ فوق به مجلس معرفی کرد (مروارید، ۱۳۷۷، ج ۳: ۲۳۴). اردلان نسبت به برنامه دولت حکیمی اظهار داشتند: «ایشان در زمینه سیاست خارجی خواهان رابطه صمیمانه و شرافتمندانه با تمام دول هستند به خصوص دولت‌های جماهیر شوروی و دولت انگلستان و دولت آمریکا که باید روابط خود را با آنان مستحکم کنیم و در زمینه سیاست داخلی نیز دولت باید هزینه‌های زندگی را پایین بیاورد و یک سری از قوانینی که در دوره‌های قبل با توجه به شرایط و اوضاع تصویب شده بود اصلاح بشود» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۵، جلسه ۳۵).

بعد از سقوط کابینه حکیمی، مجلس در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۲۷ نسبت به نخست‌وزیری هژیر ابراز تمایل نمودند. هژیر روز سوم تیرماه ۱۳۲۷ وزیران کابینه را به مجلس معرفی و برنامه خود را اعلام نمود. هنگام نطق او در لژ تماشاچیان مجلس تظاهرات شدیدی علیه او بر پا شد. در همین جلسه مکی، حائری زاده، عبدالقدیر آزاد و رحیمیان درباره زدوخوردها علیه او اعلام جرم نمودند. باین وجود، برنامه و وزیران هژیر با ۸۸ رأی موافق از ۹۶ رأی به تصویب رسید (سفری، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۴۰). وضع دولت هژیر روز به روز در مجلس و خارج از مجلس بدتر می‌شد. در روز ۲۷ تیرماه ۱۳۲۷ عباس اسکندری دولت هژیر را نسبت به سیاست خارجی و داخلی، موضوع بحرین و نفت و اردلان هم نسبت به تصویب‌نامه ارز استیضاح کردند (شجیعی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۳۷).

از نکات قابل توجه عملکرد سیاسی اردلان در تقابل و تعامل با کابینه‌ها در دوره نخست‌وزیری هژیر است. ایشان برخلاف کابینه‌های قبلی که موافقت و یا مخالفت خود را با دولت‌ها یا برنامه‌های ارائه‌شده توسط آنان را موردبررسی قرار می‌داد؛ این سری استیضاح دولت را به‌طورجدی دنبال نمود. اردلان دلیل استیضاح هژیر را بدین گونه شرح دادند: «ریاست محترم مجلس شورای ملی: اینجانب طبق اصل ۲۷ قانون اساسی که ذیلاً درج می‌شود: اصل بیست و هفتم - مجلس در هر جا نقضی در قوانین و یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند به وزیر مسئول در آن کار اخطار خواهد کرد وزیر مزبور باید توضیحات لازمه را بدهد، دولت جناب آقای هژیر را به رعایت ماده ۴۴ نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی استیضاح می‌نمایم مورد نقض قانون صدور تصویب‌نامه مورخ ۴-۵-۱۳۲۷ ایشان در مورد ایجاد گواهی‌نامه ارز یا به‌عبارت‌دیگر وضع مبلغی اضافه بر نرخ رسمی ارز است. تصویب‌نامه فوق قوانین زیر را نقض کرده است:

۱. اصل ۹۴ متمم قانون اساسی به شرح زیر: هیچ قسم مالیات برقرار نمی‌شود مگر به‌حکم قانون.

۲. فقره ۳ از ماده‌واحد قانون مصوب ۶ دی‌ماه ۱۳۲۴ به شرح زیر: دولت یا نمایندگان او نمی‌توانند بدون تصویب مجلس شورای ملی تقاضای تغییر برابری ریال نسبت به پول کشورهای عضو صندوق را نموده یا با چنین تغییری موافقت نمایند... دولت جناب آقای هژیر نرخ رسمی ارز را که در موقع تصویب قانون ۶ دی‌ماه ۱۳۲۴ هر یک لیره ۱۲۸ ریال بوده است و تا تاریخ ۴-۵-۲۷ در این قیمت باقی بوده است طبق تصویب‌نامه ۴-۵-۱۳۲۷ تغییر داده است. به این معنی که علاوه بر نرخ رسمی قیمت گواهی‌نامه را نسبت به بعضی کالاها صد در صد و نسبت به بعضی دیگر تا میزان هفتاد و یا چهل درصد اضافه نموده است به‌نحوی که کالاهای مجاز جهت رفع احتیاجات کشور اگر تا قبل از صدور تصویب‌نامه در عرض این چند سال با نرخ هر یک لیره ۱۲۸ ریال وارد کشور می‌گردد و بانک‌های به این نرخ ارز می‌فروختند از تاریخ ۴-۵-۲۷ به بعد باید علاوه بر مبلغ ۱۲۸ ریال مبلغی نیز به نام گواهی‌نامه پردازند تا بتوانند ارز مورد درخواست را دریافت نموده کالای موردنیاز را دریافت نمایند و بنا به راین طبق تصویب‌نامه فوق مالیات جدیدی به نام گواهی‌نامه وضع گردیده است و بنابراین به

رعایت اصل ۶۱ متمم قانون اساسی و مسئولیت مشترک وزرا در این امر دولت جناب آقای هژیر مشمول ماده ۴ قانون مصوب دهم اسفند ۱۳۱۲ واقع می‌گردد به شرح ماده ۴- جزء عوارض و مالیات‌های مقرر به موجب قانون اخذ هرگونه عوارض و مالیات دیگر به هر اسم و رسم که باشد ممنوع است، عمالی که امر به اخذ مالیات‌های غیرقانونی بدهند و اشخاصی که فهرست و تعرفه و اسناد آن را تهیه نمایند و کسانی که متصدی وصول آن بشوند مشمول مقررات ماده ۱۵۴ قانون مجازات عمومی خواهند بود. این است که به شرح توضیحات بالا درخواست می‌کنم مراتب را به دولت اطلاع دهند تا برای جواب حاضر گردد» (مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سندش: ۱۵/۷۹/۳/۲/۳۲).

مذاکرات استیضاح چند جلسه به طول انجامید. هژیر با توجه به استیضاحی که مطرح شد تقاضای رأی اعتماد کرد و مجلس با ۹۲ رأی از ۹۷ تن حاضر در جلسه رأی اعتماد مجلس را به دست آورد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۵، جلسه ۹۷).

۲-۲. اعتبارنامه‌ها و انتخابات

مبارزات انتخاباتی دوره چهاردهم مجلس شورای ملی از خرداد ۱۳۲۲ آغاز شد. عوامل تأثیرگذار بر انتخابات این دوره، علاوه بر دولت سهیلی، دربار، ارتش، انگلیسی‌ها، روس‌ها و متنفذان محلی بودند که هر یک به نوعی در جریان انتخابات دخالت داشتند. بر این اساس حضور فعال عوامل مختلف در جریان انتخابات باعث شد که مجلس چهاردهم، صحنه رقابت و دسته‌بندی فراکسیون‌های متعدد شود (عظیمی، ۱۳۸۷: ۱۷۷).

آغاز هر دوره مجلس شورای ملی همراه با فرآیند تصویب اعتبارنامه منتخبان به وسیله سایر نمایندگان بود. اردلان نیز در این موضوع مشارکتی فعال داشت و نسبت به اعتبارنامه سایر نمایندگان اظهار نظر می‌نمود.

دوره چهاردهم نیز تصویب اعتبارنامه نمایندگان از جمله موضوعاتی بود که مورد تنش و اختلاف بین نمایندگان بود. از جمله نمایندگانی که اعتبارنامه وی مورد شک و شبهه و شکایتی قرار گرفت نماینده خراسان (درجز) حبیب‌الله دری بود. اردلان با توجه به اهمیت موضوع پیشنهاد می‌کند که: «پرونده آقای دری رجوع شود به یک کمیسیون تحقیق که به طور قرعه بین نمایندگان مجلس انتخاب شود و پس از وصول گزارش کمیسیون تحقیق اخذ رأی به عمل آید» (همان، دوره ۱۴، جلسه ۱۰). از دیگر

نمایندگانی که اعتبارنامه آن مورد اختلاف واقع شد، انتخابات حوزه ورامین و نمایندگی آشتیانی بود؛ نمایندگان اعتقاد داشتند باید انتخابات آنجا تجدید شود، اردلان گزارش اعضای شعبه را برخلاف عدالت و انصاف می‌دانست و معتقد بود که: «انتخاب ایشان نود درصد بر اساس میل و رغبت اهالی بوده است و ده درصد انتخابات تشریفاتی بوده است و انحرافات انتخابات را در آنجا آنقدر شدید نمی‌داند که آن را باطل کنند و گزارش‌های غلط و کذب عده‌ای باعث به وجود آمدن چنین شایعاتی شده است» (همان، جلسه ۳۲).

۲۵۷

روابط بین الملل

عملکرد سیاسی
ناصر قلی اردلان در
ادوار چهاردهم تا
شانزدهم مجلس
شورای ملی ایران

از طرح‌های قانونی که در اواخر دوره چهاردهم مجلس شورای ملی مطرح شد راجع به تأخیر انتخابات دوره پانزدهم بود. جمعی از نمایندگان بالغ بر ۸۰ نفر پیشنهاد کردند که: «نظر به اوضاع احوال مملکت و وضعیت فعلی و نزدیکی موقع انتخابات دوره پانزدهم انتخابات را مادام که قوای بیگانه در این مملکت است و از طرفی هم با بودن قوای اجنبی در مملکت یک وضعیت غیر سلامت و غیرمنظمی در مملکت حکم فرما است و با این مسئله انتخابات اگر باید به طریقی که همه مردم مشروطه‌خواه و مملکت خواه که نظر دارند پیشرفت بکند باید در یک موقع آرامش و در یک موقع طبیعی در مملکت انجام گردد که تا یک ماه بعد از تخلیه خاک ایران از قشون اجانب انتخابات تأخیر بیفتد» (همان، دوره ۱۴، جلسه ۱۴۹). اردلان نیز جز آن ۸۰ نفری بود که از این طرح حمایت کرد. ایشان شرح مبسوطی مبنی بر لزوم تجدیدنظر در قانون انتخابات و اصلاح آن و پیش‌بینی حدوث فترت پس از انقضای دوره چهاردهم قانون‌گذاری در اثر تأخیر امر انتخابات و انجام آن پس از تخلیه کامل ایران از قوای متفقین و برقراری امنیت و ضمن بحث طرق مختلفه اداره کشور در ایام فترت فرمودند و معتقد بودند: «چنانچه در بعضی موارد قانون اساسی تمدید دوره قانون‌گذاری را بیش از دو سال تجویز نموده و اساس مشروطیت هم جزئاً و کلاً تعطیل بردار نیست لایحه یا طرحی در این خصوص بایستی تهیه و مورد بحث و مذاکره قرار داده شود» (همان، جلسه ۱۷۹). هدف نمایندگان نسبت به پیشنهاد این طرح از این قرار بود که نیروهای متفقین برای گرفتن امتیازات بیشتر در خاک ایران مانده بودند و در نبود مجلس شورای ملی، نمی‌توانستند به اهداف شوم خود

برسند؛ زیرا گرفتن هر امتیازی از دولت ایران، منوط به تصویب مجلس شورای ملی بود، لذا نمایندگان با توجه به این امر خواهان تأخیر انتخابات بودند.

دوره پانزدهم مجلس شورای ملی نیز اردلان در مورد انتخابات مه‌باد اشاره کردند که: «عده‌ای به نام دولت مرکزی می‌خواهند اعمال قدرت بکنند و یک اشخاصی را کاندید کرده‌اند، مردم نیز دکاکین خود را بستند و انجمن نظارت نیز استعفا داده‌اند. آقای نخست‌وزیر باید دستور بفرمایند که هیچ‌کس حق اعمال قدرت از طرف دولت ندارد و انتخابات آنجا کاملاً آزاد است و اهالی هرکسی را مایل هستند می‌توانند انتخاب بکنند» (همان، دوره ۱۵، جلسه ۳۵). از مباحثی که در دوره پانزدهم مجلس شورای ملی مورد بررسی قرار گرفت لایحه اصلاحی قانون انتخابات بود. دولت به خاطر اوضاع مه‌باد و لاهیجان خواستار به تعویق انداختن انتخابات بود. آقای اردلان با این لایحه مخالفت نمود به این دلیل که دولت با توجه به قانون انتخابات باید تمام انتخابات مراکز را به صورت هم‌زمان برگزار کند، در صورتی که بعضی از شهرهایی چون لاهیجان مه‌باد هنوز دستور برگزاری انتخابات صادر نشده و این مغایرت با قانون انتخابات است و دولت به بهانه این موضوع انتخابات را به تعویق بیندازد که قانون انتخابات مورد تمسخر قرار می‌گیرد (مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سندش: ۱۵/۹۵/۰/۸).

موضوع دیگری که در لایحه اصلاحی انتخابات مطرح شد این بود که به اشخاص باسواد حق انحصار رأی داده شود. اردلان موافق این لایحه بودند و با ذکر مثال به واقعه آذربایجان که حضور اشخاصی که به وسیله افراد بی‌سواد به نمایندگی انتخاب شدند و باعث به وجود آوردن چنین مشکلی در کشور شدند و از مجلس خواست از این واقعه درس عبرت گرفته و مانع از تکرار چنین وضعی شوند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۵، ۱۷۱).

با یک نگاه به عملکرد اردلان در تعامل و تقابل با کابینه‌ها چنین برداشت می‌شود که؛ ناصر قلی اردلان در این دوران به‌عنوان یک مبارز آزادیخواه و بیگانه‌ستیزی بود که علاقه وافری به کیان کشور و ایران داشت تا جایی که در اکثر مجالس خواهان خروج نیروهای متفقین از خاک کشور بود. هرچند گاهی مواقع دولت‌ها را برای ایجاد روابط مسالمت‌آمیز و مفید با دول خارجی تشویق می‌نمود. همچنین اعتقاد سیاسی شدید او را

به تندروی کشاند و با مقامات داخلی به مقابله پرداخت؛ نمونه بارز آن برخورد با استیضاح دولت هژیر بود.

۲-۳. بحران آذربایجان

از سری وقایع که دوره ۱۴ مجلس شورای ملی رخ داد بحران آذربایجان بود که باعث واکنش‌هایی در جامعه شد. مجلس شورای ملی نیز از این جریان‌ها به دور نبوده و همواره اخبار آنجا را پیگیری می‌کرد. با پایان جنگ جهانی دوم نیروهای نظامی امریکا و انگلیس از ایران خارج شدند؛ اما دولت شوروی با وجود اتحاد میان سه دول ایران، انگلیس، شوروی و بی‌اعتنایی به مفاد کنفرانس تهران از تخلیه خاک ایران امتناع می‌کردند تا مقدمات تشکیل حکومت پیشه‌وری را در آذربایجان آماده کنند (نجاتی، ۱۳۷۳: ۴۵).

شوروی‌ها خواستار کسب امتیاز نفت شمال بودند. از این رو از راه‌های مختلف از جمله کمک به تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان به دنبال کسب این امتیاز بود (ازغندی، ۱۳۷۶: ۱۴۳). با توجه به این امر بحران آذربایجان در مجلس چهاردهم بازتاب آنی داشت، نمایندگان یکی پس از دیگری اظهار داشتند که بگویند ایران از یک ملت تشکیل شده است نه از ملیت‌های متعدد جداگانه. برای همین عده‌ای از نمایندگان، فرقه دمکرات آذربایجان را به سبب «اخلال در امنیت ایران» محکوم کردند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۲۶). اردلان نیز در این مورد نطقی در مجلس کردند بدین شرح که: «تصور می‌کنم که هیچ ایرانی نباشد که به وضع کنونی آذربایجان در کل نگرانی نداشته باشد و هیچ ایرانی نباشد که در دل خود این امید و آرزو را نپروراند که این موضوع به نحو خوبی هر چه زودتر خاتمه پیدا کند. یک نگرانی در دو سه سال قبل در دل تمام ایرانی‌ها بود بنده خودم یکی از آن ایرانی‌ها هستم که این نگرانی در من هم مثل همه وجود داشت منتها این نگرانی که حالا در دل من هست برای آذربایجان است نگرانی که در دو سه سال قبل در دل خود داشتم برای دولت دوست متفق ما اتحاد جماهیر شوروی بود. در آن تاریخ یک دولت متجاوز و زورگویی با تمام قوا به دولت اتحاد جماهیر شوروی حمله کرده بود و جنگ به یک مرحله‌ای رسیده بود که هیچ معلوم نبود که به چه ترتیب ممکن است خاتمه پیدا کند در آن موقع ما همه ایرانی‌ها به نگرانی تنها

اکتفا نکردیم آمدیم عملاً کمک کردیم آنچه در قوه و در اختیار خود داشتیم برای پیروزمندی دولت اتحاد جماهیر شوروی ۵ میلیون تن مهمات از کشور خودمان برای شوروی فرستادیم بنده یقین دارم عامل بسیار مؤثر در پیروزمندی دولت اتحاد جماهیر شوروی ما ایرانی‌ها بودیم، حالا این را بنده با دو کلمه توضیح عرض می‌کنم که این ۵ میلیون تن مهمات از بندر شاه به بادکوبه و روسیه پرواز نکرد این‌ها به دست یک ایرانی‌هایی که همه آن‌ها برزگر بوده یا برای ما کار می‌کردند آمدند تمام کارهای داخلی ما را کنار گذاشتند رفتند قد علم کردند و این ۵ میلیون کالا را به دولت اتحاد جماهیر شوروی رسانیدند و باعث پیروزمندی شدند، دولت اتحاد جماهیر شوروی باید در این گرفتاری‌ها به ما کمک متقابل بکند، قضیه آذربایجان یک قضیه صرفاً داخلی است و ما خواهشی که از دولت اتحاد جماهیر شوروی داریم این است که همان‌طور که دولت ما تقاضا کرده و در مجلس هم این موضوع بحث شده است دست ما را باز بگذارید ما طرز عادلانه که دنیای متمدن آن را ببینند این قضیه را حل خواهیم کرد...» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۴، جلسه ۱۶۹).

در آغاز فروردین ۱۳۲۵ سادچیکف به تهران آمد و موافقت‌نامه قوام- سادچیکف در ۲۵ فروردین منعقد شد، طبق مفاد آن قرارداد «راجع به آذربایجان چون امر داخلی دولت ایران است، برای اجرای اصلاحات بر طبق قوانین موجود و با روح خیرخواهی نسبت به اهالی آذربایجان ترتیب مسالمت‌آمیزی خواهد شد» (روزنامه اطلاعات، ۱۷ فروردین ۱۳۲۵: س ۲۱، ش ۶۰۲۳؛ اتابکی، ۱۳۷۶: ۱۷۸-۱۸۴). درنهایت در تاریخ ۲۵ آذر ۱۳۲۵ با ورود ارتش به تبریز و فرار سران حکومت خودمختاری آذربایجان و اعدام چند تن از افسران ارتش به جرم همکاری با اشرار، غائله آذربایجان خاتمه یافت (روزنامه اطلاعات، ۲۵ آذر ۱۳۲۵: س ۲۱، ش ۱۲۲۶، ۱-۶). از موضوعاتی که در دوره پانزدهم مجلس شورای ملی پس از خاتمه یافتن غائله آذربایجان مطرح شد در مورد مجرمین سیاسی آذربایجان بود و لایحه‌ای پیشنهاد شد که: «کلیه اشخاصی که در غائله سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ در استان آذربایجان و شهرستان زنجان مرتکب جنحه و جنایات سیاسی و عادی مربوط به غائله مزبور شده‌اند (به‌استثنای مرتکبین قتل و یا غارت) و همچنین شرکا و معاونین آن‌ها اعم از اینکه تحت تعقیب بوده و یا به‌موجب حکم قطعی یا

غیرقطعی محکوم شده‌اند و یا اساساً تاکنون مورد تعقیب قرار نگرفته‌اند از تعقیب و مجازات معاف می‌گردند و هیچ‌گونه آثار کیفری به عمل آنان مترتب نمی‌شود. شمول این قانون نسبت به کسانی از اشخاص مذکور در قسمت اول این ماده که فعلاً در ممالک خارجه هستند در هر مورد بخصوص موکول به تصویب هیئت وزیران و صدور فرمان همایونی خواهد بود. هرگاه یک یا چند نفر از کسانی که به موجب این قانون مشمول عفو عمومی می‌گردند در ثانی مرتکب جرمی نظیر جرائم مذکور فوق شوند آثار عفوکان‌لم‌یکن گشته و جرائم سابق نیز قابل تعقیب و مجازات خواهد بود (مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سندش: ۱۵/۷۹/۳/۲/۳۵).

۲۶۱



عملکرد سیاسی
ناصر قلی اردلان در
ادوار چهاردهم تا
شانزدهم مجلس
شورای ملی ایران

اردلان ضمن مخالفت به این لایحه اظهار کردند که: «عده‌ای از مأمورین دولت که ملت ایران از وجود آن‌ها بیزار و متنفر است در ظرف این دو سال اخیر به نام مستخدم دولت در خانه هر آذربایجانی که یک‌لقمه نان داشت فرستادند اگر پول داشت پول گرفتند قالی یا قالیچه داشت گرفتند، اگر اسب و گوسفند داشت گرفتند و حتی اگر سگ شکاری هم داشت مضایقه نکردند و اگر چیزی نداشتند آن‌ها را همین‌طور که ما دیدیم به نقاط دوردست ایران تبعید کردند که الان در این گرما مشرف به موت هستند و دولت حاضر مجبور شده است برای آن‌ها قانون بیاورد این است که ما این قانون را که می‌گذرانیم تکمیل نخواهد بود مگر این‌که دولت برای عمل این مستخدمین که با اهالی این رفتار را کرده‌اند هیئتی برای تحقیق بفرستد تا ببیند که اگر یک مستخدمی از اهالی آذربایجان و زنجان پولی گرفته باید در درجه اول از هر طبقه‌ای که هست بیاورند به دادگاه‌های مربوطه تسلیم کنند و بعد هم وجوهی که از مردم گرفته‌اند به خود صاحبانش پس بدهند، این یک قضیه‌ای است که اگر ما تحقیق و رسیدگی نکنیم بعد از این هر کس در هر کجا مأمور دولت کاری کرد می‌آید و می‌گوید بسیار خوب است و ما باید این را اصلاح بکنیم این است که بنده تقاضا می‌کنم از دولت حاضر که با دستگاه موجودی که دارد یک هیئتی که مورد اعتماد است به آذربایجان و زنجان بفرستد و تحقیق بکند که در هر کجا نسبت به مردم تعدیاتی شده باشد خواه به اسم فرقه دمکرات، به اسم متجاسر پولی از مردم گرفته‌اند علاوه بر این که آن پول مأخوذه را مسترد بکنند آن مأمورین ناپاک

را که ملت ایران از آن‌ها بیزار است آن‌ها را هم تسلیم دادگاه بکنند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۵، جلسه ۹۰).

۲-۴. رابطه با عربستان

از سری مباحثی که دوره پانزدهم مجلس شورای ملی مطرح شد، برقراری رابطه ایران و عربستان بود. در سال ۱۳۲۰. ش به علت اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و ناامنی راه‌ها، دولت ایران رفتن به حج را برای ایرانیان ممنوع اعلام کرد. با این وجود برخی از مردم به طور پنهانی در حج حضور داشتند. در سال ۱۳۲۲. ش ماجرای روی داد که منجر به قطع رابطه سیاسی بین دو کشور ایران و عربستان شد و آن اعدام یکی از حجاج ایرانی به نام ابوطالب افخمی اردکانی^۱ در ملاءعام بود (قاضی عسکر، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۴). این رویداد به قطع روابط ایران و عربستان به مدت پنج سال انجامید تا اینکه در سال ۱۳۲۷. ش ملک عبدالعزیز با ارسال نامه‌ای به دولت ایران خواستار ارتباط مجدد با ایران شد. در آن زمان عبدالحسین هژیر نخست‌وزیر ایران بود و رابطه با عربستان دوباره برقرار شد (محقق، ۱۳۸۰: ۱۳۰). در این دوره دولت یک فقره لایحه به قید دو فوریت راجع به زائرین حج به مجلس پیشنهاد نمود بدین شرح: «ماده واحد هر زائر بیت‌الله الحرام برای مصارف هیئت‌های سرپرستی کاروان حج مکلف است مبلغ یک هزار ریال بپردازد. این درآمد به خزانه کشور ریخته می‌شود و پرداخت هزینه آن تابع قانون محاسبات عمومی نیست و به موجب تصویب‌نامه هیئت‌وزیران مصارف آن تعیین و پرداخت می‌شود و اگر مازادی داشته باشد در حساب مخصوص نگاهداری و به مصرف سال‌های بعد خواهد رسید» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۵، جلسه

۱. ابوطالب اردکانی در حال طواف بر اثر گرمی هوا و پر بودن شکم، دچار حالت تهوع شد و برای این‌که زمین مسجد آلوده نشود، گوشه جامه احرام خود را مقابل دهان گرفت و در آن استفرغ کرد و اطراف آن را گرفت تا در مسجد نریزد؛ اما قدری از آن مواد از گوشه جامه‌اش بر سنگ‌های مسجد الحرام ریخت. شرطی‌های سعودی به گمان آن‌که او قصد نجس کردن مسجد را دارد، وی را دستگیر کردند و همراه چند مصری به‌عنوان گواه، به شرطی خانه بردند و از آنجا نزد قاضی فرستادند. مصری‌ها به‌ناحق گواهی دادند و قاضی به قتل آن حاجی بی‌گناه حکم کرد. وی را روز بعد ۱۴ ذی‌حجه پیش چشم مردم در برابر مروه در خیابان با ضرب شمشیر، به جرم آلوده کردن خانه خدا کشتند (روزنامه اطلاعات، ۲۷ دی‌ماه ۱۳۲۲، س ۱۸، ش ۵۳۷۳، ۱).

۱۰۰). آقای اردلان که همواره در بحث سیاست خارجی خواهان ایجاد روابط مسالمت‌آمیز با دول خارجی بودند قبل از هرگونه اقدامی خواهان مشخص شدن موضوع ابوطالب یزدی بودند و نسبت به این لایحه پیشنهاد نمودند که ده درصد مبلغ فوق اختصاص به ورثه مرحوم ابوطالب یزدی داده شود و در ادامه اظهار داشتند که: «موقعی که جناب آقای وزیر خارجه در مجلس شورای ملی صحبت فرمودند که روابط ما با دولت سعودی عنقریب برقرار خواهد شد بنده از جایگاه خودم حضورشان عرض کردم که موضوع ابوطالب یزدی چه شد و ایشان جواب قانع‌کننده‌ای ندادند بعدازآن بازهم بنده یک کاغذی به حکومت یزد نوشتم که بنده را مسبوق کنند که ابوطالب یزدی که فوت کرده چه ورثه‌ای دارد و دو روز قبل یک کاغذی برای بنده رسیده است که این ابوطالب یزدی کار می‌کرد و یک خانواده را اداره می‌کرد و بنده خیلی متأسفم که نظیر این کار چندی قبل در مملکت ما اتفاق افتاد که آقایان هم از جریان آن مسبوقند که مجلس شورای ملی ایران یک قانون‌گذارند و صد هزار تومان ما جریمه این کار را داده‌ایم ولی حالا در این موضوع دولت ایران با دولت عربستان سعودی مذاکره‌ای کرده است و به‌جایی نرسیده است بنده وارد این بحث نمی‌شوم ولی بنده تقاضا دارم این مبلغی که پیشنهادشده و راجع به آن صدتومان اولی خواهد بود نه به این مبلغی که آقای مهندس رضوی اضافه فرمودند آقایان موافقت بفرمایید و ضمناً عده‌ای از آقایان فرمودند که بنده پیشنهادم را به ۵ درصد تقلیل بدهم عوض ده درصد پیشنهاد بنده این است که میان این اشخاص تحت نظر دولت به تساوی تقسیم شود حالا آقایان می‌فرمایند کمتر بشود اجازه بفرمایید آقایان، بنده پیشنهادم را اصلاح می‌کنم به یک درصد» (همان). سرانجام مجلس با این اصلاح که یک درصد گرفته شود برای ورثه ابوطالب یزدی موافقت کرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۵، جلسه ۱۰۰).

۵-۲. نفت

دوره شانزدهم را می‌توان از مهم‌ترین دوره‌های مجلس شورای ملی برشمرد. اهمیت این دوره مجلس به سبب حضور عده‌ای از نمایندگان جبهه ملی، از جمله مصدق بود که جنبش مقاومت ملی کوچکی را در مقابل انگلستان تشکیل دادند. ناصر قلی اردلان به‌رغم اینکه در اوایل مردادماه ۱۳۲۸ در کمیسیون دارایی به قرارداد الحاقی نفت رأی

مثبت داد و حتی پس از تأیید کمیسیون، گزارش آن را برای تصویب در مجلس شورای ملی قرائت کرد اما پس از چندی تغییر عقیده داد و از مخالفان سرسخت آن لایحه و طرفدار ملی شدن صنعت نفت گردید (عاقلی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۷۶) وی اهمیت مسئله نفت را به خوبی درک کرده بود. و مبارزه با شرکت سابق نفت که چند سال قبل از ملی شدن صنعت نفت آغاز شده بود را اصلی‌ترین و مهم‌ترین شاخص می‌دانست.

دوره شانزدهم، مجلس شورای ملی به ساعد رأی اعتماد نداد و علی منصور نخست‌وزیر شد. منصور پیشنهاد کرد که قبل از طرح لایحه الحاقی گس - گلشائیان در مجلس، کمیسیون مخصوصی برای بررسی قرارداد الحاقی تشکیل شود. به همین منظور در ۳۰ خرداد ۱۳۲۹ کمیسینی مرکب از ۱۸ نفر به ریاست مصدق تشکیل شد و برای مطالعه درباره قرارداد الحاقی مأموریت یافت تا نتیجه را به مجلس شورای ملی تقدیم کند (اقبال، ۱۳۷۵: ۳۸).

از جمله عوامل مخالفت نمایندگان مجلس و ملت ایران با لایحه الحاقی گس - گلشائیان، نادیده گرفته شدن مسئله حاکمیت ملی مردم ایران بود. شرکت نفت بانفوذ خود در امور سیاسی ایران، استقلال کشور را تهدید می‌کرد و دیگر اینکه به واسطه امتیازی که شرکت نفت از دولت ایران گرفته بود، صنعت نفت کشور، احاطه و تسلط داشت که تمام عملیات اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفتی ایران در کنترلش بود. از سوی دیگر شرکت نفت به مقام‌های ایرانی اجازه نمی‌داد به حساب‌هایش رسیدگی کنند و مبالغی را که می‌بایست به دولت ایران می‌پرداخت، یک‌طرفه اعلام می‌کرد (بیل، راجرلويس، ۱۳۶۸: ۴۲۰). با توجه به این اتفاقات، مجلس شورای ملی با تأیید و تصویب گزارش کمیسیون نفت دایر بر این که لایحه ساعد - گس استیفای حقوق ایران را نمی‌نماید به منظور اجرای قانون مهرماه ۱۳۲۶ به آن کمیسیون مأموریت می‌دهد در ظرف دو ماه گزارشی مبنی بر تعیین وظیفه دولت تهیه و برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم نماید (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۶، جلسه ۱۰۲). اردلان نیز پیشنهاد می‌کنند: کمیسیون نفت مجاز است از کارشناسان خارجی در صورت لزوم دعوت نماید و مورد استفاده قرار دهد (همان، دوره ۱۶، جلسه ۱۲۸). هرچند این پیشنهاد مورد موافقت قرار نگرفت و توسط نمایندگان تصویب نشد. پس از ردّ لایحه الحاقی

گس - گلشائیان در کمیسیون نفت، تظاهرات عظیمی علیه دولت بر پا شد و مطبوعات با مقالات خود از این اقدام جبهه ملی حمایت کردند. طرح ملی شدن صنعت نفت در کمیسیون به تصویب نرسید؛ اما رد لایحه الحاقی گس - گلشائیان، شکست بزرگی برای شرکت نفت بود که باعث شد زمینه برای تصویب ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی هموار شود (اقبال، ۱۳۷۵: ۵۲). رزم‌آرا در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ در مسجد شاه سابق به قتل رسید (ترکمان، ۱۳۷۰: ۴۷۵-۴۸۰). فردای آن روز در ۱۷ اسفند، کمیسیون نفت به اتفاق آرا، اصل ملی شدن صنعت نفت را در سراسر کشور تصویب کرد و گزارش خود را به مجلس تقدیم کرد. مجلس در جلسه ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ و مجلس سنا در ۲۹ اسفند، تصمیم کمیسیون مخصوص نفت را مبنی بر ملی شدن نفت به اتفاق آرا تصویب کرد (اقبال، ۱۳۷۵: ۵۲).

بعد از ملی شدن صنعت نفت کمیسیون مخصوص نفت طرح سه فوریتی راجع به ترتیب اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت نسبت به معادن بهره‌برداری شرکت سابق نفت انگلیس و ایران تقدیم مجلس کرد. طبق ماده ۲ این طرح: «دولت مکلف بود با نظارت هیئت مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلعید کند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری و عذر وجود ادعایی بر دولت متعذر شود دولت می‌تواند تا میزان بیست و پنج درصد از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره‌برداری برای تأمین مدعی به شرکت در بانک ملی ایران یا بانک مرضی‌الطرفین دیگر ودیعه گذارد» (روزنامه اطلاعات، ۷ اردیبهشت ۱۳۳۰: س ۲۵، ش ۷۵۰۴، ۱؛ مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۶، جلسه ۱۴۱).

اردلان نسبت به این طرح اظهار داشتند: «به‌موجب قرارداد داری آنچه مؤسسات شرکت نفت در سراسر حوزه نفتی ایران به وجود آورده به‌موجب قرارداد بلاعوض مال ایران است، بدون این‌که دیناری از آن بابت داده شود. بعد هم قرارداد ۱۹۳۳ م آمد که این قرارداد ۱۹۳۳ م را جناب آقای تقی زاده بطلان آن را اعتراف کردند و جناب آقای دکتر شایگان با یک بیانات فصیحی که متکی بر دلایل قضایی بود در همین مجلس استدلال فرمودند که اصلاً این قرارداد باطل است؛ بنابراین تنها مدرکی که برای شرکت هست آن قرارداد داری است. در قرارداد داری که ده سال دیگر موعده منقضی

می‌شود تمام مؤسساتی که شرکت سابق نفت در جنوب و در خوزستان دارد بلاعوض مال ایران است. در امتیازنامه داری تمام این مؤسسات از عوارض گمرک معاف بوده‌اند. اگر ما امروز به‌موجب قرارداد داری آن‌ها را از مالیات معاف کردیم برای این بود که در ماده بعدش قیدشده در آخر مدت امتیاز تمام اثاثیه و اموال بلاعوض مال دولت ایران است». از نکاتی که اردلان در مقابله‌های خود تحت عنوان نفت مطرح کرده بود، اهمیت و قیمت واقعی نفت بود. در آن سال‌ها کمتر کسی از قیمت واقعی نفت خبر داشت و به ارزش واقعی این ماده حیاتی فکر می‌کرد. وی در مورد ملی شدن صنعت نفت اشاره داشتند: «که این قدمی است که کشور ایران را به اوج بلند می‌رساند و یکی از مسائلی که حیات اقتصادی ایران را دگرگون خواهد کرد فروش نفت است که بزرگ‌ترین منبع ارزی کشور به شمار می‌رود و یک منبع ارزی بسیار مهمی از فروش نفت در اختیار مملکت ایران می‌گذارد» (همان، جلسه ۱۴۴).

از سری موضوعات مهم دیگر در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، تصویب قانون خلعید بود. هم‌زمان با پیشنهاد خلعید، مصدق نیز با عقیم گذاشتن توطئه روی کار آمدن سید ضیاءالدین طباطبائی در اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ سمت نخست‌وزیری ملت را پذیرفت (روزنامه اطلاعات، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۰: س ۲۵، ش ۷۵۱۱، ۱). اولین اقدام او اجرای قانون ۹ ماده‌ای بود که دایر بر طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت بود که طبق یکی از مواد آن در سراسر کشور هیئت مختلطی مرکب از ۵ نفر از نمایندگان مجلس سنا و ۵ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب هریک از مجلسین و وزیر دارایی یا قائم‌مقام او تشکیل شود (مقدم، ۱۳۷۷: ۱۶۷). برای انتخاب نمایندگان مزبور مجلس سنا در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۰ سهام السلطنه بیات، محمد سروری، دکتر رضازاده شفق، ابوالقاسم نجم، احمد متین‌دفتری، انتخاب شدند (رائین، ۱۳۵۸: ۲۲۸).

در ۲۲ اردیبهشت‌ماه حسین مکی، شایگان، معظمی، اللهیار صالح و ناصر قلی اردلان انتخاب شدند (همان). برای انتخاب ۵ نفر در هیئت مختلط بنا بر ماده واحده‌ای باید به‌صورت اکثریت نصف بعلاوه یک رأی‌گیری می‌شد. در دور اول انتخابات مکی با ۵۱ رأی، شایگان با ۷۱ رأی، معظمی با ۶۶ رأی، انتخاب شدند. در دوره دوم ناصر قلی اردلان و دور سوم اللهیار صالح از سوی مجلس انتخاب شدند (مکی، ۱۳۶۴، ج ۳:

۲۵۴-۲۵۶). هیئت مختلط با موافقت دولت برای ترتیب اجرای قانون خلعید مطالعاتی انجام داد و مقرراتی را تنظیم نمود. هیئت مدیر موقت در ابتدا محمود حسابی، دکتر عبدالحسین علی‌آبادی و محمد بیات بودند. پس از انتخاب حسابی، وی تقاضای امکانات و اختیارات ویژه‌ای را کرد که مورد موافقت هیئت مختلط قرار نگرفت و استعفا داد و به‌جای او مهندس بازرگان انتخاب شد (سحابی، ۱۳۸۰: ۱۵۸). اعضای هیئت‌مدیره در ۱۶ خرداد ۱۳۳۰ با قطار به خوزستان رفتند (روزنامه اطلاعات، ۱۵ خرداد ۱۳۳۰، س ۲۵، ش ۷۵۳۶، ۱ و ۲). هیئت نظارت بر امر خلعید که شامل مکی، متین‌دفتری و ناصر قلی اردلان بود در روز ۱۷ خرداد عازم خوزستان شدند (قشقایی، ۱۳۷۱: ۱۵۸).

در فرودگاه مردم با احساسات خود و فریادهای زنده‌باد؛ آن‌ها را مشایعت کردند. اردلان این موج عظیم جمعیت را اینگونه توصیف می‌کند: «وقتی که به اهواز و آبادان وارد شدیم اهالی خوزستان یک استقبالی از ما نمودند که در ایران سابقه نداشت. هر یک از افراد هیئت که از اتومبیل پیاده می‌شد او را در میان گرفته و تا میدان فرودگاه همراهی می‌کردند و در طول راه دسته‌های گل به آن‌ها داده می‌شد» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۶، جلسه ۱۶۴). در میانه انجام عملیات خلعید؛ مهندسان، کارمندان، کارشناسان و کارگران فنی انگلستان از قبول نظارت و سرپرستی آنان سرباز زدند و حسین مکی، نماینده تهران در مجلس شورای ملی و رئیس این هیئت، تصمیم گرفتند که همه آنان باید خاک ایران را ترک کنند (نجاتی، ۱۳۷۳: ۱۶۴). اردلان نیز طی گزارشی راجع به جریان اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و خلعید، در مجلس چنین اشاره کردند:

«در اولین وهله‌ای که با رئیس سابق شرکت نفت وارد مذاکره شدیم ایشان به‌هیچ‌وجه چنین قانونی را که مجلس شورای ملی تصویب کرده بود را قبول نداشتند. هر چند این قانون دو ماده دارد که می‌شود اطراف آن‌ها مذاکره کرد یکی موضوع ۲۵ درصد ودیعه در بانک مرضی‌الطرفین، دیگری هم ماده هفت که خریداران سابق بیابند با دولت تماس بگیرند و محرز بشود که خریداران سابق هستند» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۶، جلسه ۱۶۴). هیئت خلعید در مقام اجرای قانون ملی شدن، حاضر بودند حتی نفتکش‌ها نفت ایران را نسیه تحویل بگیرند ولی یک قبض به نام شرکت ملی

ایران صادر کنند (دفتری، ۱۳۵۰: ۱). بر این اساس هیئت خلعید به دریک (رئیس پالایشگاه آبادان) ابلاغ کرد که او از این پس مستخدم دولت ایران است و باید اطلاعات خود را درباره تشکیلات و مقررات اداری شرکت سابق در اختیار هیئت‌مدیره قرار دهد و درآمد فروش نفت را طبق قانون خلعید تحویل دهد و تخلف از این قانون جرم است (خامه‌ای، ۱۳۷۲: ۹۰۷).

اردلان نسبت به این موضوع اشاره داشتند که: «کشتی‌ها می‌آمدند در بندر آبادان در خسروآباد و بندر معشور در این سه تا بندر لنگر می‌انداختند آن‌ها یک حواله‌هایی داشتند از شرکت سابق نفت ایران و انگلیس که نفت به آن‌ها داده شود البته وقتی شرکت نفت ایران و انگلیس از بین رفت و شرکت نفت ایران به وجود آمد معلوم می‌شود که این حواله‌ها نباید ارزش قانونی داشته باشد؛ اما مقامات انگلیسی زیر بار این دستور نرفتند و فقط در حدی سازش کردند که ناخدایان کشتی‌ها، با تأیید حفظ حقوق قانونی شرکت، باید رسید بدهند. ولی این شرط موردقبول هیئت‌مدیره موقت نبود و بدین‌صورت کشتی‌ها از بارگیری خودداری نمودند و صادرات نفت ایران متوقف گردید» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۶، جلسه ۱۶۴).

عملیات خلعید در فاصله ۳۰ خرداد تا ۱۲ تیر ابتدا در خوزستان و بعد در کرمانشاه و نفت شهر و مراکز شرکت سابق نفت و پالایشگاه تهران انجام شد. عمل خلعید تا آنجا که جنبه سیاسی و دولتی و به حرکت درآوردن مردم داشت بیشتر توسط مکی، متین دفتری و اردلان انجام شد (خاطرات بازرگان، شصت سال خدمت، ۵۲۴). پس از رفتن انگلیسی‌ها از ایران، دکتر مصدق طی نامه‌ای از فداکاری اردلان در مورد مأموریتی که در آبادان داشتن تشکر نمود: «... اینک که آخرین افراد بیگانه آبادان را ترک کرده‌اند، ضرورت دارد که از مراقبت‌های مداوم جنابعالی برای نظارت در اجرای قانون خلعید و حسن اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت کمال امتنان و تشکر خود را ابراز دارم و موفقیت روزافزون جنابعالی و همه همکاران محترمان و همچنین توفیق کارمندان دولت و کارگران عزیز مناطق نفت‌خیز را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم. محمد مصدق» (ترکمان، ۱۳۷۵: ۱۹۲).

نتیجه گیری

ناصر قلی اردلان جز آن دسته از اشخاصی بود که در سه دوره نمایندگی در ادوار مجلس شورای ملی، توانست کارنامه ارزنده‌ای از خود بر جای بگذارد و نقش مؤثری در سخنرانی‌ها با مخالفت یا موافقت با طرح‌ها و لوایح پیشنهادی دولت ایفا کرد. با توجه به اقدامات سیاسی و رفتار وی در مواجهه با وقایع و برخورد او با دولت‌ها و کابینه‌ها دارای یک جایگاه مبارزاتی و سیاسی بود. تا جایی که در اکثر مجالس حضوری پررنگ و در این راه پرتلاش بود. از نظر خط‌مشی سیاسی مشرب خاصی نداشت و سیاستش مدارا با افراد مخالف یا دگراندیش بود. سیاست‌های اتخاذشده توسط او با تعامل و تقابل دولت‌ها قابل توجه است. وی سعی داشت با حفظ سیاست محافظه‌کارانه و بی‌طرفانه، روابط خود را با دولت‌ها به صورت حسنه حفظ نماید. همچنین برای ابراز مخالفت خود با دولت‌ها همراه با سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز ترجیح می‌داد با گفتگو و آرامش دولت را متقاعد سازد؛ اما در مورد دولت عبدالحسین هژیر این سیاست همزیستی مشاهده نشد و آقای اردلان تا آخرین لحظه خواهان استیضاح وی از نخست‌وزیری بود. از نکاتی که آقای اردلان همواره در بحث بررسی کابینه‌ها و برنامه‌های دولت بدان توجه داشت حفظ حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران بود. وی نسبت به نفوذ و قدرت بیگانگان در کشور برخورد جدی داشت و با تذکرات به دولت‌ها با تصویب بعضی از پیمان‌ها و لوایح قانونی به مخالفت بر می‌خواست و خواهان خروج نیروهای متفقین از ایران بود. ایشان همچنین خواهان ایجاد رابطه مسالمت‌آمیز و دوستانه با دول خارجی بود. در سیاست داخلی نیز در ماجرای آذربایجان در عین اینکه خواهان استقلال کشور بود، در مجلس نیز از منافع و حقوق مردم دفاع می‌کرد و به دولت تذکرات لازم را می‌داد و به مسائل و مشکلات مردم بی‌توجه نبود. از اموری که ناصر قلی اردلان را به خود مشغول کرد مسئله نفت بود که بیشترین فعالیت‌ها و اوقات مجلس به آن اختصاص یافته و محیط متشنجی را به وجود آورده بود. با ملی شدن صنعت نفت و عملیات خلعید کارنامه مجلس و نمایندگان دوره شانزدهم را می‌توان قابل قبول ارزیابی کرد. اردلان با جهت‌گیری‌های معتدل و باسیاست و مشی میانه‌ای که داشت در تعیین مسیر حرکت و سیاست و فعالیت خلعید نقش مؤثر و بارزی را ایفا نمود و در جریان

ملی شدن صنعت نفت، با همراهی اعضای خلعیید، حسن وطن‌پرستی خود را به نمایش گذاشت و در آخر امر از سوی مصدق مورد تقدیر قرار گرفت.

منابع

آبراهامیان، یرواند، (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب، مترجمان: احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.

اتابکی، تورج، (۱۳۷۶). آذربایجان در ایران معاصر، تهران: انتشارات توس.

ازغندی، علیرضا، (۱۳۷۶). روابط خارجی ایران (از سال‌های ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰)، تهران: قومس.

اقبال، اسماعیل، (۱۳۷۵). نقش انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تهران: اطلاعات.

بیل، جیمز؛ راجرلوئیس، ویلیام، (۱۳۶۸). مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران: نشر نو.

ترکمان، محمد، (۱۳۷۰). اسرار قتل رزم‌آرا، تهران: رسا.

ترکمان، محمد، (۱۳۷۵). نامه‌های دکتر مصدق، تهران: نشر هزاران.

خامه‌ای، انور، (۱۳۷۲). خاطرات سیاسی انور خامه‌ای، تهران: نشر گفتار.

دفتری، احمد، (۱۳۵۰). «سفرها و اندیشه‌هایی در سال بین‌المللی آموزش»، سالنامه دنیا، شماره ۲۷.

رائین، اسماعیل، (۱۳۵۸). اسناد خانه سندان، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

روزنامه اطلاعات، (۲۷ دی‌ماه ۱۳۲۲). س ۱۸، ش ۵۳۷۳، ۱.

روزنامه اطلاعات، (۲۵ آذر ۱۳۲۵). س ۲۱، ش ۱۲۲۶.

روزنامه اطلاعات، (۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۰). س ۲۵، ش ۷۵۱۱.

روزنامه اطلاعات، (۷ اردیبهشت ۱۳۳۰). س ۲۵، ش ۷۵۰۴.

روزنامه اطلاعات، (۱۵ خرداد ۱۳۳۰). س ۲۵، ش ۷۵۳۶.

سحابی، عزت‌الله، (۱۳۸۰). مصدق و دولت ملی و کودتا (مجموعه گفتگوها و مقالات تاریخی - سیاسی)، تهران: نشر نو.

سفری، محمدعلی، (۱۳۷۱). قلم و سیاست، ج ۱، تهران: نامک.

شجیعی، زهرا، (۱۳۷۲). نخبگان سیاسی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ج ۴ و ج ۳، تهران: سخن، چاپ چهارم.

عاقلی، باقر، (۱۳۸۰). شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۱ و ج ۲ و ج ۳، تهران: نشر گفتار.

عظیمی، فخرالدین، (۱۳۸۷). بحران دموکراسی در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نودری، تهران: نشر آسیم.

۲۷۰



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط‌بین‌الملل،

دوره سی‌و‌نهم،

شماره چهارم،

شماره پیاپی پنجاه

و یکم، زمستان

۱۴۰۲

قاضی عسکر، سید علی، (۱۳۸۴). ابوطالب یزدی شهید مروه، تهران: مشعر.
قشقایی، محمدناصر، (۱۳۷۱). سالهای بحران، خاطرات روزانه محمدناصر صولت قشقایی از فروردین
۱۳۲۹ تا آذر ۱۳۳۲، تهران: انتشارات رسا.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)
سندش: ۱۵/۷۹/۳/۲/۳۲؛ سندش: ۱۵/۷۹/۳/۲/۳۵؛ سندش: ۱۵/۹۵/۰/۸.
کدی، نیکی. (۱۳۶۹)، ریشه‌های انقلاب ایران، مترجم: عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر قلم.
محقق، علی، (۱۳۸۰). اسناد روابط ایران و عربستان سعودی: ۱۳۵۷ - ۱۳۰۴ ه. ش، تهران: اداره نشر
وزارت امور خارجه.

۲۷۱ مروارید، یونس. (۱۳۷۷). از مشروطه تا جمهوری؛ نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری در دوران

مشروطیت، ج ۳. تهران: نشر اوحدی.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۴.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۵.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۶.

مقدم، خلیل‌الله، (۱۳۷۷). تاریخ جامع ملی شدن نفت، تهران: انتشارات علم.

مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۸). تحولات سیاسی - اجتماعی ایران (۵۷ - ۱۳۲۰)، تهران: نشر روزنه.

مکی، حسین، (۱۳۶۴). کتاب سیاه، ج ۳، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.

ملک یزدی، محمدخان، (۱۳۶۲). غوغای تخلیه ایران، تهران: سلسله.

نجاتی، غلامرضا، (۱۳۷۳). جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.

نجاتی، غلامرضا، (۱۳۷۸). مصدق: سال‌های مبارزه و مقاومت، ج ۱، تهران: نشر رسا.

نظری، منوچهر، (۱۳۹۰). رجال پارلمانی ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)، تهران: فرهنگ معاصر.

نوریان، عبدالحسین، (۱۳۸۳). ناپایداری کابینه‌ها در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.



عملکرد سیاسی
ناصر قلی اردلان در
ادوار چهاردهم تا
شانزدهم مجلس
شورای ملی ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی